

گزارش سعید فرح‌پخش



سلسله گزارش‌های نقشه راه اقتصاد پویا؛ ۲

بسوزانیم یا بسازیم؟ انتخاب باماست

اصلاح مصرف انرژی، راهی راهبردی برای عبور از بحران‌های اقتصادی است، بدون تغییر الگوی مصرف در بخش خانگی، صنعتی و حمل‌ونقل، نه رشد ممکن است و نه عدالت محقق می‌شود

در دیدار روز سه‌شنبه هفته گذشته رهبر حکیم انقلاب اسلامی با مسئولان قوای سه‌گانه، نقشه‌ای راهبردی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور ترسیم شد. این نقشه راه، شامل ۱۰ محور کلیدی است، از کنترل نقدینگی و اصلاح الگوی مصرف انرژی تا رفع موانع سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی با همسایگان. این راهبردها

اگر امروز صرفه‌جویی نکنیم، فردا چیزی برای نجات دادن باقی نمی‌ماند. این جمله، توصیفی دقیق از وضعیت مصرف حامل‌های انرژی در کشورمان است. کشوری با یکی از بالاترین نرخ‌های مصرف انرژی در جهان، آن‌هم در حالی که منابعی نه بی‌پایانند و نه درآمدهای نفتی دیگر همچون گذشته، کفاف هزینه‌های مورد نیاز را می‌دهد. فشار شدید بر بودجه، افزایش قاچاق سوخت، تخریب محیط‌ز بست و نابرابری در دسترسی به انرژی، از مهم‌ترین پیامدهای این الگوی مصرف ناپایدار است. با آن‌که ایران تنها حدود یک‌درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده اما جزء ۱۰ کشور اول از نظر میزان مصرف انرژی قرار دارد. در واقع، شدت مصرف انرژی در ایران بیش از سه برابر میانگین جهانی است. این بدان معناست که برای تولید هر واحد محصول، سه برابر بیش از استاندارد جهانی

گفت‌وگو حسام کمالی

«پول باید در زمین تولید بازی کند، نه در بازارهای موازی.» این جمله ابوالفضل مرادی، تحلیلگر مسائل اقتصادی، نگاهی دقیق به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور دارد؛ سرگردانی سرمایه. مرادی معتقد است، تولید تا وقتی به حاشیه رانده شود و میدان برای دلالی، سوداگری و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت باز بماند، نباید انتظار جهش واقعی در اقتصاد داشت. او در گفت‌وگو با «جوان» بر این نکته تأکید می‌کند که بدون امنیت سرمایه، شفافیت مقررات و اراده واقعی برای حمایت از بخش مولد، شعارها در حد شعار باقی می‌ماند. به باور او، بخش خصوصی باید احساس کند، حضورش در اقتصاد نه تحمل می‌شود، بلکه خواسته و پشتیبانی می‌شود. در شرايطی که نرخ سود بانکی، نوسانات ارزی و ترس از بی‌ثباتی، سرمایه‌ها را از تولید فراری داده، مرادی خواستار اصلاح فوری ریل‌گذاری اقتصادی و بازتعریف رابطه دولت با سرمایه‌گذار است. سرمایه‌گذاری در تولید، نه صرفاً یک اولویت اقتصادی، بلکه ضرورت بقا در رقابت منطقه‌ای و جهانی است، ضرورتی که به گفته مرادی، اگر امروز جدی گرفته نشود، فردا شاید دیگر قابل جبران نباشد.

□ □ □

در دهه‌های اخیر، اقتصاد کشورمان با چالش‌های متعددی از جمله تورم بالا، نوسانات ارزی، تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های مالی دست‌وپنجه نرم کرده است. در این میان، بخش تولید به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد، بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری است. شعارهایی مانند «جهش تولید» و «حمایت از تولید داخلی» در سال‌های اخیر بارها مطرح شده‌اند اما تحقق این اهداف نیازمند نگاهی نوآورانه، برنامه‌ریزی دقیق و رفع موانع ساختاری است. ابوالفضل مرادی، تحلیلگر اقتصادی، در گفت‌وگو با روزنامه «جوان» ابعاد مختلف سرمایه‌گذاری در تولید را بررسی کرده و راهکارهایی برای تبدیل این بخش به موتور محرک اقتصاد ارائه می‌دهد.

■ **سرمایه‌گذاری در تولید: موتور محرک اقتصاد** مرادی در ابتدای گفت‌وگو، تولید را محور اصلی توسعه اقتصادی معرفی می‌کند: «سرمایه‌گذاری در بخش تولید، کلید افزایش تولید ناخالص داخلی، ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی است. بدون تولید قوی، اقتصاد کشور نمی‌تواند در برابر شوک‌های داخلی و خارجی مقاومت کند.» او معتقد است که سرمایه‌گذاری در تولید نه‌تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه زنجیره‌ای از اثرات مثبت مانند توسعه فناوری، افزایش صادرات و کاهش وابستگی به واردات را به دنبال دارد.

به گفته مرادی، ایران با داشتن منابع طبیعی غنی، نیروی انسانی جوان و بازار مصرف بزرگ، پتانسیل بالایی برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش تولید دارد. با این حال، بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها نیازمند رفع موانع و ایجاد بسترهای مناسب است. او می‌افزاید: «اگر بتوانیم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را به‌رستی هدایت کنیم، می‌توانیم شاهد جهشی در بخش تولید و به‌تبع آن، کل اقتصاد باشیم.»

■ **چالش‌های سرمایه‌گذاری در تولید**

سرمایه‌گذاری در تولید، هرچند فرصت‌های بسیاری به همراه دارد اما با موانع متعددی نیز روبه‌روست. مرادی به برخی از مهم‌ترین چالش‌ها اشاره می‌کند:
۱. **نرخ بهره بالا و محدودیت‌های مالی:** یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی تولیدکنندگان، دشواری دسترسی به منابع مالی است. مرادی توضیح می‌دهد: «نرخ‌های بهره بانکی در ایران برای تولیدکنندگان بسیار بالاست و فرایند دریافت تسهیلات بانکی پیچیده و زمان‌بر است. این موضوع باعث می‌شود، بسیاری از سرمایه‌گذاران از ورود به بخش تولید منصرف شوند.» او پیشنهاد می‌کند، دولت با کاهش نرخ بهره و ارائه تسهیلات هدفمند، نقدینگی موردنیاز تولیدکنندگان را تأمین کند.
۲. **پیچیدگی‌های قانونی و بوروکراسی:** مرادی به مشکلات ناشی از قوانین دست‌وپاگیر و

نه تنها برای عبور از چالش‌های اقتصادی فعلی ضروری‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحقق شعار سال ۱۴۰۴ یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» نیز خواهند بود. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل خواهند شد. این دومین گزارش، بر یکی از بنیادی‌ترین این محورها یعنی ، صرفه‌جویی در مصرف انرژی تمرکز دارد.

افزایش داده و اصلاح آن نیازمند بازنگری عمیق در سیاستگذاری‌هاست.

■ **بخش خانگی، کانون اسراف**

آمارها نشان می‌دهند، سهم بخش خانگی از مصرف انرژی در ایران، بسیار بالاتر از استانداردهای جهانی است. استفاده از لوازم گرمایشی و سرمایشی غیراستاندارد، ساختمان‌های فاقد عایق حرارتی و نبود فرهنگ بهینه، از مهم‌ترین عوامل این ناعادلانه بین گروه‌های مختلف توزیع می‌شود. اقشار با درآمد بالا که عموماً دارای وسایل پر مصرف و سبک زندگی پرا انرژی هستند، سهم بیشتری از منابع را به خود اختصاص می‌دهند. در مقابل، بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد، به دلیل نداشتن تجهیزات نوین یا خانه‌های غیراستاندارد، از دسترسی برابر به انرژی بهره‌مند نیستند. این شکاف، نارضایتی اجتماعی و فشار بر زیرساخت‌های توزیع انرژی را

پر مصرف‌ترین و کم‌بازده‌ترین بخش‌هاست. نساوگان فرسوده، خودروهای کم‌بازده و مصرف بالای سوخت باعث شده‌اند تا میزان بهره‌وری در این حوزه بسیار پایین باشد. اتومبیل‌های شخصی عمدتاً تک‌سرنشین هستند، سیستم حمل‌ونقل عمومی ناکارآمد است و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند. این مجموعه عوامل، هم به افزایش مصرف انرژی دامن زده و هم به آلودگی هوا، به‌ویژه در کلان‌شهرها، شدت بخشیده است.

■ **صنایع انرژی‌بر، نیازمند نوسازی فوری**

بخش صنعت نیز به‌ویژه در حوزه‌های فلزات، سیمان و پتروشیمی، مصرف بالایی از انرژی دارد. بسیاری از این صنایع از فناوری‌های قدیمی استفاده می‌کنند و بهره‌وری انرژی در آنها بسیار پایین است. بدون نوسازی تجهیزات، اتوماسیون فرایندها و استفاده از تکنولوژی‌های نوین، نمی‌توان انتظار داشت میزان مصرف کاهش یابد. از سوی دیگر، لازم است مشوق‌هایی برای صنایع کم‌مصرف و بهره‌ور طراحی شود تا مسیر تولید به سمت بهره‌وری هدایت شود.

■ **قیمت‌گذاری نادرست، عامل اصلی اسراف** یکی از عوامل مؤثر در مصرف بی‌رویه انرژی، قیمت‌گذاری نامناسب است. وقتی قیمت انرژی به اندازه‌ای پایین باشد که هزینه مصرف بالا احساس نشود، انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی باقی نمی‌ماند. این مسئله در همه بخش‌ها – از خانوار گرفته تا صنعت – صادق دارد. واقعی‌سازی تدریجی قیمت‌ها، در کنار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و ارائه تجهیزات کم‌مصرف، می‌تواند یکی از مؤثرترین گام‌ها در اصلاح الگوی مصرف باشد.

■ **تجربه‌های موفق جهانی**

کشورهای متعددی توانسته‌اند با سیاستگذاری هوشمندانه، مصرف انرژی را کاهش دهند و بهره‌وری را افزایش دهند. ژاپن پس از بحران نفتی، به‌شدت بر صرفه‌جویی متمرکز شد و امروز جزء کشورهای است که بالاترین بهره‌وری انرژی را دارد. در اروپا نیز اجرای استانداردهای سخت‌گیرانه در حوزه ساختمان و حمل‌ونقل، نقش زیادی در کنترل مصرف داشته است. این تجربه‌ها نشان می‌دهند، با اراده و برنامه‌ریزی می‌توان از بحران عبور کرد.

■ **نقش آموزش و فرهنگ‌سازی**

صرفه‌جویی صرفاً یک اقدام اقتصادی نیست، بلکه نیازمند تغییر سبک زندگی و فرهنگ مصرف است. آموزش در مدارس، تبلیغات در رسانه‌ها، تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی و حتی مشوق‌های آموزشی می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند. وقتی کودکان یاد بگیرند خاموش کردن یک لامپ اضافه چه تأثیری دارد، آنگاه تغییر از پایین به بالا آغاز خواهد شد.

■ **گام‌های اجرایی برای نجات انرژی**

اجرای یک نقشه راه ملی برای صرفه‌جویی، نیازمند چند محور اصلی است:
۱. نوسازی تجهیزات پر مصرف در بخش خانگی و صنعتی
۲. توسعه حمل‌ونقل عمومی پاک و برقی
۳. بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری
۴. آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده
۵. حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر
۶. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی

مصرف بالا، اقتصاد را زمین‌گیر می‌کند

ظرفیت‌ها بالفعل شوند. اصلاح الگوی مصرف، یک پروژه ملی است، نه صرفاً اقتصادی.

نقش مردم در این فرایند چقدر مهم است؟

بسیار مهم‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود. هیچ اصلاحی بدون همراهی مردم دوام نمی‌آورد. مردم باید بدانند، خاموش کردن یک چراغ اضافی، فقط صرفه‌جویی در قبض نیست، بلکه کمک به اقتصاد کشور و حتی کاهش نابرابری است. رسانه‌ها و نظام آموزشی نقش کلیدی در شکل دادن به این فرهنگ دارند.

آیا صرفه‌جویی به معنی محرومیت است؟

ایند. صرفه‌جویی یعنی مصرف آگاهانه. یعنی به‌جای باز گذاشتن پنجره و بالا بردن شعله بخاری، از عایق استفاده کنیم. یا به‌جای دوساعت ترافیک تک‌سرنشین، از حمل‌ونقل عمومی یا هم‌سفری استفاده کنیم. هیچ‌کدام از این‌ها به معنی فقر یا عقب‌ماندگی نیست، بلکه نشانه رشد و آگاهی است.

نقش فناوری در اصلاح مصرف را چطور می‌بینید؟

بسیار حیاتی است. فناوری‌هایی مثل کنتورهای هوشمند، تجهیزات کم‌مصرف، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی

د

توزیع نابرابر انرژی، شکاف طبقاتی را

افزایش داده و نارضایتی عمومی را گسترش می‌دهد. با اصلاح مصرف، می‌توان انرژی را عادلانه‌تر توزیع کرد و از هدررفت منابع در دست گروه‌های پر مصرف جلوگیری کرد

مدرن و حتی اپلیکیشن‌های پایش مصرف می‌توانند کمک زیادی کنند. اما مهم‌تر از آن، سیاست‌های تشویقی برای استفاده از این فناوری‌هاست. اگر تسهیلات و مشوق داده شود، مردم سریع‌تر به این ابزارها روی می‌آورند.

در بخش صنعت چطور؟ چقدر امکان صرفه‌جویی داریم؟

بخش صنعت یکی از پرترفیت‌ترین حوزه‌ها برای صرفه‌جویی است. بسیاری از صنایع کشور، به‌ویژه صنایع سنگین، با فناوری‌های قدیمی و بازده پایین فعالیت می‌کنند. اگر فقط ۲۰ درصد بهره‌وری انرژی در این بخش افزایش یابد، میلیاردها تومان صرفه‌جویی خواهد شد. البته نوسازی صنعتی نیازمند سرمایه‌گذاری است و دولت باید زیرساخت آن را فراهم کند.

به نظر شما اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، چه آینده‌ای در انتظار اقتصاد کشور است؟

آینده‌ای بسیار دشوار. هم منابع ته می‌کشند، هم شبکه انرژی فرسوده می‌شود، هم مردم نارضایتی بیشتری پیدا می‌کنند و از همه مهم‌تر، کشور فرصت جهش اقتصادی را از دست می‌دهد. اگر انرژی نباشد یا قابل توزیع نباشد، هیچ صنعتی کار نمی‌کند. اصلاح مصرف مثل تنفس برای اقتصاد است، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر.

و اگر اصلاح کنیم، چه چیزی به دست می‌آوردیم؟

یک اقتصاد مقاوم، متعادل و آینده‌دار. با صرفه‌جویی، منابع آزاد می‌شود، کسری بودجه کاهش می‌یابد، نابرابری کمتر می‌شود، محیط‌زیست حفظ می‌شود و رشد اقتصادی واقعی ممکن می‌شود. این مسیر البته زمان‌بر است، ولی شروع باید از امروز باشد.

می‌دهد: «با ایجاد قوانین شفاف و ارائه مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی، می‌توان سرمایه‌گذاران خارجی را به بخش تولید جذب کرد. نمونه‌های موفقیت‌مانند منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر، نشان‌دهنده پتانسیل بالای ایران در این زمینه است.»

۳. بازارهای صادراتی:

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، فرصت‌های زیادی برای صادرات محصولات تولیدی دارد. مرادی تأکید می‌کند: «با بهبود کیفیت محصولات و رعایت استانداردهای جهانی، می‌توانیم سهمی از بازارهای کشورهای همسایه مانند عراق، افغانستان و ترکیه به دست آوریم.»

■ **نقش دولت و بخش خصوصی در رونق تولید**

مرادی بر ضرورت همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی تأکید دارد: «دولت باید نقش تسهیل‌گر را ایفا کند و با ایجاد بسترهای قانونی و اقتصادی مناسب، راه را برای فعالیت بخش خصوصی هموار سازد.» او پیشنهاد می‌کند، دولت با تشکیل کارگروه‌های مشترک با بخش خصوصی، نیازهای واقعی تولیدکنندگان را شناسایی و برای رفع آنها اقدام کند. به گفته مرادی، حمایت‌های دولتی نباید به‌صورت استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند اتوماسیون، هوش مصنوعی و اینترنت اشیا (IoT) می‌تواند بهره‌وری تولید را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. مرادی می‌گوید: «سرمایه‌گذاری در فناوری نه‌تنها کیفیت محصولات را بهبود می‌بخشد، بلکه امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌کند. برای مثال، شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی در حوزه‌هایی مانند نانوتکنولوژی و بیوتکنولوژی موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند.»

۲. جذب سرمایه‌گذاری خارجی: در شرایطی که بسیاری از کشورها به دنبال تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین خود هستند، ایران می‌تواند مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد. مرادی توضیح